

ارتباطات انسانی در فرهنگ رضوی

سید امیرحسین علم‌الهدی^۱، علی شریفی^۲

چکیده

ارتباطات انسانی یکی از دانش‌های نوینی است که اهمیت آن به دلیل پیشرفت‌های علمی و تغییرهای رخ داده در سبک زندگی بشری، روز به روز بیشتر می‌شود. توجه به اصول و مبانی این دانش نوین برای بهبود زندگی اجتماعی انسان و داشتن ارتباط صحیح با دیگران ضروری است. هدف، پیگیری و پیوند دادن مبانی این دانش نوین با فرهنگ و سیره اخلاقی امام رضا^(ع) است تا بتوان به فهمی عمیق از سیره عملی ایشان در همه سطوح ارتباطات انسانی دست یافت. آنچه که از مجموع روایت‌های ائمه^(ع) و گزارش‌های تاریخی به دست می‌آید، ارتباطات گسترده و مؤثر امام رضا^(ع) با فرهنگ‌ها و طبقات مختلف اجتماع است.

در این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی تلاش می‌شود در مرحله اول، الگویی برای عمل مسلمانان به این آموزه‌های دینی ارائه داد و در مرحله بعد، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و ارتباطی را در جامعه اسلامی پایه‌ریزی کرد.

واژه‌های کلیدی

امام رضا^(ع)، ارتباطات انسانی، ارتباطات کلامی، ارتباطات غیرکلامی، فرهنگ

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۹/۰۶

saha1366@yahoo.com

dralisharifi15@gmail.com

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

ارتباطات انسانی بخش عمده‌ای از زندگی هر فرد را تشکیل داده است و حیات اجتماعی انسان بدون توجه به این نوع از ارتباط امکان‌پذیر نیست. رانکین^۱ یکی از پژوهشگران پیشگام علم ارتباطات به این نتیجه رسیده که در حدود ۷۰ درصد از زمان بیداری افرادی که او درباره آنها مطالعه کرده است، در ارتباطات می‌گذرد (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۵۳).

میل برقراری ارتباط با دیگر انسان‌ها به‌طور طبیعی در نهاد بشر قرار داده شده و انسان برای تداوم حیات اجتماعی خود نیازمند برقراری ارتباط با دیگران است. این امر فطری در مورد ائمه معصومین^(ع) به‌دلیل اینکه وظیفه خطیر هدایت الهی بعد از پیامبر^(ص) بر عهده آنها بوده، حساسیت بیشتری پیدا کرده است. مطالعه دقیق تاریخ زندگی ائمه^(ع) و روایت‌ها و آثار به‌جا مانده از آنها، به شناخت فرهنگ اسلامی و ارتباطات انسانی آنها منجر می‌شود. امام رضا^(ع) در مدت کوتاه سه سال ولایتعهدی، شبکه وسیع ارتباطی را براساس فرهنگ امامت و ولایت بنا نهادند. هجرت تاریخی ایشان از مدینه به مرو نقطه عطفی در آداب و رسوم و فرهنگ سرزمین ایران به‌حساب می‌آید. فرهنگ، دارای ابعاد وسیعی است؛ اما در این بررسی، براساس تعریف ادوارد تایلور، نگاه پژوهشگران به بُعد اجتماعی آن است و به ارتباطات امام رضا^(ع) با طبقات مختلف اجتماع می‌پردازند.

بررسی دقیق جنبه‌های مختلف ارتباطات انسانی در فرهنگ رضوی نیازمند پاسخ به مسائل این‌چنینی است: نوع نگاه به فرهنگ؟ چگونگی رابطه فرهنگ و ارتباطات؟ چگونگی تعامل امام رضا^(ع) با طبقات مختلف اجتماع؟ گستره ارتباطات امام^(ع)؟ ویژگی‌های نهفته در ارتباطات امام^(ع)؟ ریشه و مبنای قرآنی این ارتباطات؟ آیا سیره عملی امام^(ع) می‌تواند مؤیدی برای نظریه‌های غربی پیرامون ارتباطات باشد؟

فرضیه ما این است که امام رضا^(ع) به‌عنوان حجت خدا بر اهل زمین، از تمامی روش‌های مؤثر ارتباطی برای ابلاغ پیام الهی و هدایت بندگان بهره‌جسته‌اند.

نوآوری مقاله حاضر، بررسی ارتباطات انسانی در فرهنگ رضوی با توجه به ویژگی‌های سطوح ارتباطات انسانی در دو حوزه کلامی و غیرکلامی است.

در ادامه، ابتدا به مفهوم فرهنگ و مفاهیم مرتبط با آن در ارتباطات پرداخته، سپس انواع ارتباطات انسانی در حوزه برون‌فردی همچون ارتباط میان‌فردی، گروهی و جمعی تبیین و در نهایت ارتباطات کلامی و غیرکلامی امام رضا^(ع) بررسی خواهد شد.

درباره این موضوع تاکنون بررسی‌های جامعی صورت نگرفته، هرچند به تازگی، مقاله‌ای در هشتمین شماره فصلنامه علمی-پژوهشی فرهنگ رضوی منتشر شده که براساس مدل ارتباطات انسانی برلو، سیره ارتباطی امام رضا^(ع) از مدینه تا مرو را تحلیل و بررسی کرده است.

مفهوم‌شناسی

۱. فرهنگ

واژه فرهنگ در فارسی واژه بسیار کهنی است که پیشینه آنرا از زبان پهلوی در دست داریم. این واژه از دو پاره تشکیل شده است، یکی پیشوند «فر» به معنای «پیشین» و بن‌واژه «هنگ» به معنای کشیدن، در نتیجه معنای ریشه‌ای واژه «فرهنگ»، پیش کشیدن یا فرا کشیدن است (آشوری، ۱۳۸۹: ۱۴).

برای اولین بار مردم‌شناس انگلیسی، ادوارد بانت تایلور^۱ در سال ۱۸۷۱ م. با انتشار کتاب فرهنگ ابتدایی^۲، واژه فرهنگ را از معنی کلاسیک آن خارج و مترادف با تمدن، این‌گونه تعریف کرده است: «همه آن دسته از عقاید و افکار (آن کلی پیچیده) که دربرگیرنده دانش، عقیده، هنر، اخلاق، قانون، عادت‌ها و هر قابلیت یا عادت‌تی که بشر به‌عنوان عضوی از جامعه برای خود کسب کرده باشد، فرهنگ نام دارد» (جعفری، ۱۳۷۸: ۵۵).

به این معنا، انسان «بی‌فرهنگ» و جامعه «بی‌فرهنگ» در کار نیست؛ زیرا زندگی اجتماعی،

1. Edward Bunt Tylor
2. Primitive Culture

یعنی با هم زیستن و به معنای در فرهنگ زیستن است (آشوری، ۱۳۸۹: ۱۱۲). پس در نتیجه با تعاریف و کارکردهایی که از واژه فرهنگ ارائه شد، جستار حاضر به مقوله فرهنگ از دریچه اخلاق و ادب اجتماعی نگریسته است.

۲. ارتباطات

کلمه ارتباطات^۱، از لغت لاتین «Communicare» مشتق شده و از آن «انتقال مفاهیم»، «انتقال معانی»، «انتقال و تبادل پیام‌ها» بین عموم مردم برداشت می‌شود (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۳). تعاریف اولیه ارتباط که در علم ارتباطات مورد بررسی قرار گرفته، به سه عنصر فرستنده، پیام و گیرنده تکیه داشت، اما با گذشت زمان و تفکر در پیچیدگی‌های مفهوم ارتباطات، عناصری همچون معنی، کانال پیام، وسیله انتقال پیام، پارازیت و ... مدنظر قرار گرفت که ارتباطات را به‌عنوان رشته‌ای علمی مطرح کرد (محسنیان‌راد، ۱۳۸۲: ۵۷-۴۲).

دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به ارتباطات وجود دارد که هر کدام نظریه‌های خاصی را به‌دنبال داشته است. کریگ با توجه به عدم انسجام نظریه‌های ارتباطات، آنها را به هفت روش تقسیم‌بندی می‌کند: معانی بیان، نشانه‌شناسی، پدیدارشناسی، سایبرنتیک، روان‌شناسی اجتماعی، فرهنگ‌شناسی اجتماعی و انتقادی (1999: 161-119).

محسنیان‌راد با بررسی چندین تعریف از اندیشمندان این حوزه در کتاب *ارتباط‌شناسی*، به تعریفی از ارتباط براساس معنا دست یافته است که به تجلی معنی در گیرنده پیام اشاره دارد. او می‌نویسد: «ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال پیام از فرستنده به گیرنده، مشروط بر آنکه در گیرنده پیام، مشابهت معنی با معنی مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود» (۱۳۸۲: ۵۷).

انواع ارتباطات انسانی

ارتباطات انسانی در مرحله اول به چهار دسته اساسی تقسیم می‌شود:

1. Communication

۱. ارتباط درون فردی

این نوع از ارتباط، در حقیقت حرف زدن با خود است و هر یک از ما به نحوی با خود یک ارتباط درونی برقرار می‌کنیم (بلیک، ۱۳۷۸: ۳۹).

۲. ارتباط میان فردی

ارتباط میان فردی بر ارتباط رودرروی دو نفر دلالت دارد (گیل و ادمز، ۱۳۸۴: ۲۶).

۳. ارتباطات گروهی

ارتباط گروهی به ارتباط میان افراد یک گروه یا ارتباط میان گروه‌های مختلف اطلاق می‌شود (همان: ۴۰) مانند سخنرانی در مجالس عمومی یا جلسه‌های اداری.

۴. ارتباطات جمعی

ارتباط جمعی اساساً یک طرفه است و شیوه مؤثری برای دریافت بازخوردها وجود ندارد (همان: ۲۸).

سطوح ارتباطات انسانی

ارتباطات انسانی در مرحله بعد برای ارتباطات برون فردی که شامل سه دسته آخر می‌شود، به دو دسته ذیل قابل تقسیم است:

۱. ارتباطات کلامی

ارتباطات کلامی روابطی است که میان انسان‌ها بر اساس گفتار و کلام شکل می‌گیرد. بنابراین مهارت‌های چهارگانه گفتن، شنیدن، خواندن و نوشتن برآمده از ارتباطات کلامی است. در این نوع ارتباط، خود کلام مورد توجه است و لحن کلام، تندی و نازکی صدا در ارتباطات غیرکلامی مورد توجه قرار می‌گیرد. سخن و کلام برای فرستنده پیام در گفتار و نوشتار و برای گیرنده پیام در شنیدن و خواندن منعکس می‌شود. محققان، عموماً معتقدند که انسان‌ها در ابتدا برای برقراری ارتباط به طرز حرکت اندام بدن اتکا می‌کردند و بعد رمزی را قرارداد کردند که به وسیله آن می‌توانستند ارتباط گفتاری نیز برقرار کنند (برکو و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

۲. ارتباطات غیرکلامی

از آنجایی که ارتباطات انسانی فراتر از کلام است، بسیاری از اندیشه‌ها و احساس‌های بشری از طریق ارتباطات غیرکلامی منتقل می‌شود. ارتباط غیرکلامی، ارتباط از طریق کلیه محرک‌های بیرونی غیر از کلمه‌های نوشتاری و گفتاری است.

انسان‌شناس آمریکایی، بپردویسل،^۱ برآورد کرده است که تنها ۳۵ درصد از معنی در یک وضعیت خاص با کلام، به دیگری منتقل می‌شود و ۶۵ درصد باقی‌مانده آن در زمره غیرکلامی است (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۷۲).

هر فرهنگی، زبان بدنی^۲ خاص خود را دارد. کانال‌های ارتباط غیرکلامی عبارت‌اند از: زبان بدن (حرکت گفتاری)، صداها و آوایی (شبه‌اصوات)، فضا (مجاورت)، زمان، شامه، زیبایی‌شناسی، مشخصات فیزیکی و مصنوعات (برکو و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

به همین دلیل، وقتی ارتباط غیرکلامی را در فرهنگ رضوی در نظر بگیریم با موضوع‌ها و مسائل متعددی روبرو می‌شویم که نشان‌دهنده پیچیدگی و گستردگی این نوع از ارتباط است.

رابطه فرهنگ و ارتباط

اگر می‌خواهیم با دیگران ارتباط مؤثر برقرار کنیم، باید به رابطه بین فرهنگ و ارتباط توجه کافی داشته باشیم. فرهنگ، پدیده‌ای ارتباطی است، زیرا فرهنگ از طریق فرایند ارتباط، به صورت کتبی یا شفاهی یا کلامی و غیرکلامی مبادله می‌شود (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۴).

ارتباطات درون‌فرهنگی و میان‌فرهنگی

وقتی با فردی که علقه فرهنگی داریم مراوده می‌کنیم، در حقیقت در حال برقراری «ارتباط درون‌فرهنگی» هستیم. اما وقتی با فردی که هیچ علقه فرهنگی نداریم (یا دارای

1. Ray L. Birdwhistell

2. Body Language

پیوندهای ضعیف فرهنگی هستیم) ارتباط برقرار می‌کنیم، این ارتباط «ارتباط میان فرهنگی» نامیده می‌شود. وقتی افراد با فرهنگ‌های مختلف در یک مکان زندگی می‌کنند، مشکلات خاص چندفرهنگی میان آنها بروز می‌کند (همان: ۴).

موقعیت فرهنگی امام^(ع) و مخاطبان

به‌خاطر جغرافیای سیاسی^۱ خراسان در عهد ولایتعهدی امام رضا^(ع)، فرهنگ‌های گوناگونی در منطقه مرو حاکم بوده است. امام رضا^(ع) با اخلاق اسلامی خود مرزهای فرهنگی را درنوردیدند. از این رو مشاهده می‌کنیم، به‌خاطر تعامل سازنده امام^(ع) با فرهنگ‌های مختلف و بعضاً مغایر با فرهنگ رضوی مشکلات خاص چندفرهنگی میان آنها بروز نکرده است.

مهارت‌های ارتباطی امام رضا^(ع)

شرط اساسی داشتن یک ارتباط برون‌فردی مؤثر، برخورداری و بهره‌برداری از مهارت‌های گوناگون ارتباطی است. در ادامه، انواع مهارت‌های ارتباطی امام رضا^(ع) در سطوح کلامی و غیرکلامی با اقتدار و طبقات مختلف اجتماع بیان خواهد شد.

۱. هم‌زبانی با مردم

اولین مهارت برای برقراری ارتباط مؤثر با مردم، دانستن زبان آنهاست. امام رضا^(ع) تأکید زیادی بر این مطلب داشتند و حتی در توصیه‌ای غیرمستقیم به مأمون عباسی می‌فرمایند: «كَلِّمِ النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ» (حرعاملی، ۴۲۵ق، ج ۱: ۸۳). یعنی به‌وسیله آنچه مردم می‌شناسند، با آنها سخن بگو. به فرموده امام رضا^(ع) از ویژگی‌های ضروری حجت خدا روی زمین اعم از انبیا و اوصیا، دانستن زبان عموم مردم است (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۲۸).

امام رضا^(ع) با مردم، به زبان آنها سخن می‌گفتند و فصیح‌ترین و داناترین فرد به هر زبان و لغتی بودند (مرعشی‌تستری، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸: ۵۹۰).

دانستن زبان مخاطب برای امام رضا^(ع)، نسبت به دیگر ائمه معصومین^(ع) از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا گستره ارتباطی ایشان بسیار وسیع‌تر از دیگر ائمه^(ع) بوده است. امام^(ع) در زمان ولایتعهدی، با فرهنگ‌ها و لهجه‌های مختلفی روبرو بودند و به‌جای استفاده از مترجم، خود با زبان مخاطبان تکلم می‌کردند، این ارتباط مستقیم، از مهارت‌های مؤثر ارتباط میان‌فردی است.

حتی حجت خدا، در خارج از حیطه ارتباطات انسانی، با موجودات دیگر نیز ارتباط برقرار می‌کند؛ خداوند متعال در قرآن از قول حضرت سلیمان^(ع) می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ؛ ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده است» (نمل/۱۶). داستان ارتباط برقرار کردن و تکلم امام رضا^(ع) با شیر (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۹۶)، آهو (همان، ج ۲: ۲۸۵) و گنجشک (صفار، ۱۴۰۴ق: ۳۴۵) هم مؤیدی بر همین مطلب است. دانستن زبان مردم، شرط اساسی همدلی با آنهاست.

۲. همدلی با مردم

همدلی، دومین مهارتی است که از طریق آن می‌توان به شناخت بیشتری از دیگری دست یافت و از این طریق به تفاهم بیشتری با دیگری رسید (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۵۴).

در سیره اخلاقی امام رضا^(ع) نمونه‌های فراوانی از همدلی^۱ و همدردی^۲ با مردم سراغ داریم. طبرسی، از محمدبن ابوعباد نقل کرده است: «امام رضا^(ع) در تابستان بر حصیر و در زمستان بر پلاس بودند. جامه خشن می‌پوشیدند و چون در میان مردم می‌آمدند آن‌را زینت می‌دادند» (امین‌عاملی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۱۴۵).

1. Empathy
2. Symphyaty

در توضیح مطلب فوق می‌توان گفت: تلاش امام رضا^(ع) همراهی با مشکلات مردم و همگامی با آداب اجتماع بوده و در ضمن مبارزه با نفس، توجه کافی به شرایط اجتماعی داشته‌اند. با دقت در این گزارش تاریخی، مشخص می‌شود که امام^(ع) برای همدلی با عامه مردم که فقیر بودند، خود را به شرایط سخت عادت می‌دادند، از طرفی به خاطر موقعیت حساسشان در جامعه اسلامی، به آراستگی ظاهر خود نیز توجه کافی داشته‌اند. نمونه‌ای دیگر از همدلی ایشان با مردم، شرکت در غم و شادی آنهاست.

موسی بن سیار می‌گوید:

همراه امام رضا^(ع) در یکی از کوچه‌های طوس می‌رفتیم که صدای گریه و زاری شنیدم. پس به دنبال صدا رفتم و متوجه جنازه‌ای شدم. در این هنگام، مولایم امام رضا^(ع) را دیدم که از اسب پیاده شدند، به سوی جنازه رفتند و با حالتی سرشار از مهربانی و عطوفت، با آن انس گرفتند. سپس رو به من کرده و فرمودند: ای موسی بن سیار، هر کس جنازه یکی از دوستان ما را تشییع کند، از گناهان خود بیرون می‌رود همانند روزی که از مادر به دنیا آمده است. بعد از آنکه جنازه آن مرد را بر کناره قبر گذاشتند، مولایم به کنار قبر رفتند، دست مبارک را بر سینه آن مرد نهاده و فرمودند: ای فلانی، مژده باد بر تو بهشت، بعد از این بر تو باکی نیست. از حضرت پرسیدم: فدایت شوم، آیا این مرد را می‌شناسید؟ شما که هیچ‌گاه به این محل نیامده‌اید؟ امام^(ع) فرمودند: ای موسی بن سیار، مگر نمی‌دانی که هر صبح و شام کارهای شیعیان ما بر ما عرضه می‌شود، هر کوتاهی که در اعمالشان باشد، از خداوند برای صاحبش طلب گذشت می‌کنیم و آنچه که از اعمال نیکو و بلندمرتبه باشد، از خداوند برای صاحبش طلب شکر^۱ می‌نماییم (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۴۱؛ رک: مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۴۹: ۹۹-۹۸).

عیادت از مریضان و دلداری دادن به آنها از ویژگی‌های اخلاقی امام رضا^(ع) است (مجلسی، ۱۳۸۰: ۶۳؛ رک: قمی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۶۳۶).

ایشان با این شیوه، اهمیت خود را نسبت به آنها نشان داده و ارتباط میان فردی مؤثری

۱. ظاهراً منظور حضرت این است که از خداوند می‌خواهیم با پاداش نیکو از او تقدیر کند.

را برقرار کرده‌اند. روش برخورد امام^(ع) با مردم و مأمون با مردم، این نکته را به خوبی نشان می‌دهد که فرهنگ رضوی برخلاف فرهنگ عباسی، فرهنگ همدلی و هم‌زبانی است.

معروف کرخی که از غلامان امام^(ع) بود، روحیه همدلی ایشان را چنین شرح می‌دهد:

امام رضا^(ع) وارد حمام شدند، مردی که حضرت را نمی‌شناخت، به ایشان گفت بدن مرا مالش ده، امام^(ع) شروع به مالش بدن او نمودند. هنگامی که مردم آن مرد را متوجه خطایش کرده و حضرت را به او معرفی کردند، با پریشانی شروع به عذرخواهی کرد، اما امام^(ع) همچنان به مالش بدن او ادامه دادند و او را دلداري می‌دادند (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۶۲).

نکته برجسته این گزارش تاریخی، دلداری دادن امام^(ع) به آن شخص است. درک و پذیرش خطای اشخاص، نشانه همدلی و حساسیت و بی‌تفاوت نبودن نسبت به آنهاست. «همدلی محتاج حساسیت^۱ نسبت به دیگران و توانایی ارائه این حساسیت و نشان دادن آن به دیگران است» (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۵۶).

نه تنها شرکت در غم و اندوه دیگران، بلکه شرکت در شادی آنها هم از نشانه‌های همدلی امام^(ع) با مردم شمرده می‌شود. توجه و اهتمام ایشان به شاد کردن شیعیان به قدری است که به حسن بن علی و شا از شاگردان خود فرمودند: «مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَّجَ اللهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر کس اندوه مومنی را بزدايد، خداوند در روز قیامت، غم را از دلش می‌زداید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۰۰). تبسم کردن به شیعیان و صلّه دادن به شاعران، از روش‌های همدلی امام^(ع) با مردم به حساب می‌آیند (طوسی، ۱۴۱۹ق: ۲۰۰؛ اربلی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۷۸۸؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۴۲).

۳. توجه به حق و حقوق مردم

مشکل اساسی برخی از جوامع انسانی، نادیده گرفتن حق و حقوق مردم است که منجر به قطع ارتباط مسئولان با مردم می‌شود. جهان غرب که امروز مدعی حقوق بشر^۲ است، در

1. Sensitivity
2. Human rights

سال‌های دور (قرون وسطی) مهد تبعیض میان افراد بشر بوده است؛ در حالی که در همان زمان، آیات قرآن و سیره عملی ائمه^(ع)، بر حفظ کرامت و جایگاه انسانی، به دور از هرگونه تبعیض تأکید می‌کرد؛ چنانچه در قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست» (حجرات/ ۱۳).

نمونه‌های متعددی از برخورد کریمانه امام رضا^(ع) با مردم سراغ داریم که حضرت براساس همین آیه از قرآن بسیاری از تبعیض‌های اجتماعی را از میان برداشته‌اند. از این رو در سیره عملی امام^(ع) مشاهده می‌کنیم که هیچ‌گاه به غلامان و بردگان خود دشنام ندادند، بلکه هنگامی که سفره طعام انداخته می‌شد، همه غلامان و خادمان، حتی دربان و میرآخور را به سفره غذا می‌نشانند (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۸۴).
به عقیده امام رضا^(ع) بدترین مردم کسی است که غلامش را شلاق بزند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۴۴۸).

در اصول کافی، از عبدالله بن صلت از مردی بلخی چنین نقل شده است:

من در سفر امام رضا^(ع) به خراسان، در خدمت ایشان بودم. حضرت دستور فرمودند سفره غذا را پهن کنند. در این هنگام تمام غلامان آن حضرت از سیاهان و غیر آنها کنار سفره ایشان گرد آمدند. من به امام^(ع) عرض کردم: فدایت شوم. کاش برای اینها سفره جداگانه‌ای انداخته می‌شد. امام^(ع) فرمودند: پروردگار ما، یکی است و پدر و مادر ما هم یکی و پاداش همه براساس کردار است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۲۳۰).

امام رضا^(ع)، برخلاف مأمون که حق و حقوق مردم را پایمال می‌کرد، به حقوق آنها احترام می‌گذاشتند و از این طریق ارتباط قلبی و عاطفی با آنها برقرار می‌کردند. در مجلسی که مأمون برای بیعت گرفتن از مردم برای ولایتعهدی آن حضرت تشکیل داده بود، طبقات مختلف مردم حضور داشتند. امام^(ع) از این فرصت برای یادآوری حقوق متقابل مردم و

ائمه^(ع) استفاده کرده و بعد از حمد و ثنای الهی فرمودند: «همانا از برای ما بر شما به واسطه رسول خدا^(ص) حقی است و از شما نیز به واسطه آن حضرت بر ما حقی است. چنانچه شما حق ما را دادید، مراعات حق شما نیز بر ما واجب است» (امین عاملی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۱۶۴).

اهمیت این سخن امام^(ع) هنگامی مشخص می شود که بدانیم در آن مجلس از آن حضرت به جز این سخن، سخن دیگری نقل نشده است. امام^(ع) از طرفی حقوق از دست رفته ائمه^(ع) را به مأمون و مردم گوشزد کرده و از طرفی برای حق و حقوق مخاطبان خود ارزش قائل می شوند. بدین وسیله، امام^(ع) ارتباط مؤثر کلامی و گروهی با اقشار مختلف مردم برقرار کرده اند.

۴. نفوذ بر مخاطب به وسیله علم و دانش

یکی از مهم ترین وظایف ارتباطات انسانی، تأثیرگذاری است. به کمک ارتباط می خواهیم نگرش ها، باورها، ارزش ها یا رفتار دیگران را تغییر دهیم. در بسیاری از وضعیت های ارتباطی، آنچه برای ما بسیار اهمیت دارد، اثرگذاری بر مخاطب و نفوذ در نگرش های اوست (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۱۱-۱۰).

با مطالعه دقیق تاریخ زندگی امام رضا^(ع) به خوبی مشخص می شود که امام^(ع) نقش تأثیرگذاری بر فرهنگ و آداب و رسوم ایرانیان داشته اند. امام^(ع) با علم و دانش خود، فرهنگ رضوی را گسترش داده و ارتباطات مؤثری با دیگران برقرار ساخته اند. امام صادق^(ع) به فضل بن عمر از شاگردان خود فرمودند: «الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ؛ کسی که به زمان خود آگاهی و بصرت دارد؛ هیچ گاه شبهات بر او هجوم نمی آورند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷).

امام صادق^(ع) در حدیث دیگری، لقب عالم آل محمد^(ص) را به امام رضا^(ع) می دهند (طبرسی، ۱۳۹۰، ق: ۳۲۸).

وقتی این دور روایت را کنار هم قرار دهیم، ژرفای علم و آگاهی امام رضا^(ع) بر ما مشخص می شود. شهید مرتضی مطهری می گوید:

در میان ائمه^(ع)، به اندازه ای که شخصیت علمی حضرت رضا و حضرت امیر^(ع) ثابت

شده- و حضرت صادق^(ع) هم در یک جهت دیگری- شخصیت علمی هیچ امام دیگری ثابت نشده است. حضرت در پست ولایتعهدی به طور غیررسمی شخصیت علمی خود را ثابت کردند. هوشیاری امام^(ع) سبب شد کاری به نفع آنها صورت نگیرد، بلکه به نفع خود حضرت صورت گرفت (۱۳۸۷، ج ۱۸: ۱۴۲).

امام رضا^(ع) با علم و دانش گسترده خود، بر بسیاری از مردم حتی مخالفان خویش تأثیر داشته‌اند. مأمون از همین نفوذ امام^(ع) بر مردم بیم داشت و تمام تلاش خود را برای محدود کردن ارتباط ایشان با مردم و نظارت بر کارهایشان انجام داد (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۵۳). ارتباط امام^(ع) با عالم غیب از طرفی، سبب پیشگیری از توطئه‌ها و از طرفی موجب جلب اطمینان مردم به آن حضرت شده است. البته این علم غیب برای امام^(ع) ذاتی و بالاستقلال نیست، بلکه همانطور که امام رضا^(ع) با استدلال به قرآن فرمودند: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَيَّ غَيْبَهُ أَحَدًا إِلَّا مَنْ أَرْتَضِي مِنْ رَسُولٍ؛ پس رسول خدا^(ص) از کسانی است که علم غیب را می‌داند و ما هم ورثه آن رسول^(ص) هستیم و اخبار آینده را تا روز قیامت می‌دانیم» (عطار دی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۹۷). این علم، لطف الهی به بندگان خاص خود است. روایت‌های فراوانی به ارتباط امام هشتم^(ع) با عالم غیب اشاره دارد. در اینجا به ذکر دو نمونه اکتفا می‌کنیم:

مرحوم کلینی در اصول کافی از یاسر، خادم امام رضا^(ع) این گونه نقل می‌کند:
 هنگامی که مأمون از خراسان به قصد بغداد خارج شد و فضل ذوالریاستین و ما، همراه امام رضا^(ع) خارج شدیم؛ نامه‌ای به فضل بن سهل ذوالریاستین از برادرش حسن بن سهل رسید در حالی که ما در یکی از منزل‌های میان راه بودیم، حسن به برادر خود نوشته بود: من در تحویل سال از نظر حساب نجومی نگاه کردم و از آنجا دریافتم که تو در فلان ماه روز چهارشنبه گرمی آهن و آتش را خواهی چشید و نظر من این است که در آن روز به همراه مأمون و امام^(ع) به حمام بروی، حجامت کنی و خون آن را به دست خود بریزی تا نحوست آن از تو برود. ذوالریاستین آن را به مأمون نوشت و از او خواست که از امام^(ع) این را درخواست کند؛ پس مأمون به امام^(ع) نوشت و از حضرت این درخواست را کرد. امام^(ع) در پاسخ نوشتند من فردا به حمام نمی‌روم و برای تو و فضل هم صلاح نمی‌دانم که فردا به حمام بروید. مأمون دوباره به امام^(ع) نامه نوشت و ایشان دوباره در جواب نوشتند: من فردا

به حمام نمی روم زیرا رسول خدا^(ص) را امشب در خواب دیدم که به من فرمودند: ای علی، فردا به حمام مرو، من برای تو و سهل هم صلاح نمی دانم که فردا به حمام بروید، مأمون در پاسخ حضرت نوشت: ای آقای من، راست فرمودی و رسول خدا^(ص) هم راست گفته است، من فردا به حمام نمی روم و فضل به حال خود داننا تر است (۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۹۰).

نکته حائز اهمیت در این روایت، نفوذ و تأثیر امام^(ع) بر مأمون و فضل بن سهل است. با اینکه شواهد تاریخی زیادی مبنی بر خصومت این دو با امام^(ع) وجود دارد، ولی وسعت علم و آگاهی امام^(ع) سبب شده که آنها هم در کارهای دشوار خود با حضرت مشورت کنند. بعد از شهادت امام کاظم^(ع)، مجلسی در بصره توسط امام رضا^(ع) برای اقامه براهین امامت تشکیل شد. امام^(ع) در جواب عمرو بن هذاب ناصبی که سعی در تخریب وجهه علمی امام^(ع) داشته فرمودند:

ای پسر هذاب، اگر به تو خبر بدهم در چند روز آینده مرتکب قتل یکی از خویشانت می شوی، حرفم را تأیید می کنی؟ ابن هذاب گفت: خیر، زیرا به جز خداوند کسی علم غیب ندارد. امام^(ع) فرمودند: مگر خداوند نفرموده است: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلِيَّ غَيْبِهِ أَحَدًا»^۱ إِلَّا مَنْ أَرْتَضِي مِنْ رَسُولٍ (جن/۲۷-۲۶). پس بدان که پیامبر اکرم^(ص) مورد رضای خداست و علم غیب را می داند، ما هم ورثه آن رسول^(ص) هستیم و اخبار آینده را تا روز قیامت می دانیم. آنچه به تو خبر دادم تا پنج روز دیگر واقع می شود. اگر آنچه گفتم راست نبود پس همانا من دروغ گو هستم، ولی اگر راست بود تو بر خدا و پیامبرش نسبت دروغ داده ای. علامت دیگر آنکه به زودی به کوری مبتلا می شوی و هیچ چیز نمی بینی، نه کوهی، نه دشتی و این خبر تا چند روز دیگر محقق می شود. همچنین قسم دروغی خواهی خورد و به مرض برص مبتلا می شوی. محمد بن فضل و عده ای دیگر گفتند: به خدا قسم هر چه حضرت رضا^(ع) فرموده بود به او رسید و مبتلا به قتل، کوری و برص شد. به او گفتند: حضرت رضا^(ع) راست گفتند یا دروغ؟ پاسخ داد: به خدا سوگند همان وقت که حضرت خبر دادند، می دانستم که واقعیت خواهد داشت ولی من با حضرت مقاومت و لجبازی می کردم (جزایری، ۱۴۲۷ق، ج ۲: ۳۴۸).

از این روایت برداشت می شود که حتی دشمنان امام^(ع)، به وسعت علم و دانش ایشان

واقف بوده و در اعماق قلب خود برای حضرت ارزش قائل بودند. امام^(ع) نهایت استفاده را از علم و دانش خود برای جذب قلوب مردم و برقراری ارتباط سازنده با آنها کرده است.

۵. توجه به نقش بازخورد در نفوذ بر دیگران

در روابط میان فردی، بازخورد می‌تواند به صورتی ظریف بر نتایج رابطه بین دو طرف ارتباط تأثیر گذارد. مثلاً بی‌توجهی مخاطب به گفته‌های فرستنده پیام پس از مدت کوتاهی او را به سمت خاموشی سوق می‌دهد (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۱۷). تأیید کردن و تأیید گرفتن، تأثیر بسزایی در پویایی ارتباطات انسانی امام رضا^(ع) داشته است. امام^(ع) در مناظره با پیروان ادیان و مذاهب مختلف، نهایت استفاده را از مبانی کلامی و اعتقادی آنها کرده است. امام^(ع) به وسیله سؤال از مخاطب خود و اقرار گرفتن از او، حداکثر استفاده را از این مهارت ارتباطی برده‌اند. در مناظره امام^(ع) با جاثلیق انصاری، هفت پرسش اساسی مطرح شد و در نهایت به وسیله تورات و انجیل از او اقرار گرفتند (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۳۴۶-۳۴۴).

البته ذکر این نکته ضروری است که بر مبنای آموزه‌های غربی در ابعاد گوناگون ارتباطات انسانی، تأیید گرفتن از مخاطب صرفاً جهت ارضای نیازهای درونی و اجتماعی ارتباط‌گر است (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۴۳-۴۰)؛ در حالی که در سیره ارتباطی امام^(ع)، تأیید گرفتن از مخاطب، بیشتر برای اقناع کردن او و اتمام حجت با دیگران به منظور هدایت مردم انجام گرفته است.

۶. توجه به نقش بافت و زمینه در برقراری ارتباط

توجه به دو عنصر زمان و مکان برای برقراری ارتباط مؤثر، از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ به دلیل اینکه جوامع انسانی، شرایط اجتماعی و جغرافیای فرهنگی ویژه‌ای دارند و هیچ ارتباط‌گری بدون توجه به این شرایط، نمی‌تواند ارتباط صحیح با افراد آن جامعه برقرار کند، امام رضا^(ع) با آگاهی از شرایط اجتماعی مردم در عهد عباسیان، ارتباط نزدیکی با آنها

برقرار ساختند. در دوران حکومت عباسی، مردم و به‌خصوص شیعیان، دچار فقر شدید اقتصادی و اعتقادی بودند. تلاش امام^(ع) برطرف کردن فقر اقتصادی، به‌وسیله برکت دادن به کشاورزی و برطرف ساختن فقر اعتقادی، به‌وسیله شرکت در مناظره با منحرفان و تربیت شاگردان برجسته بود (عرفان‌منش، ۱۳۷۶: ۱۴۰-۱۳۹).

در زمان هجرت تاریخی امام^(ع) از مدینه به مرو، حکومت عباسیان قلمروی وسیعی از خاورمیانه را دربرگرفته است. گوستاو لوبون فرانسوی در این باره می‌نویسد:

حقیقت این است که سلطنت سیاسی اعراب در زمان هارون و پسرش مأمون به اوج قدرت رسید، زیرا حد شرقی سلطنت آنها در آسیا، مرز چین بود و در آفریقا، اعراب، قبایل وحشی را تا مرزهای حبشه و رومیان را تا تنگه بسفور به عقب راندند و همچنان تا کرانه‌های اقیانوس اطلس پیش رفتند (۱۳۵۸: ۲۱۱).

امام^(ع) در مدت کوتاه ولایتعهدی، حداکثر استفاده را از این موقعیت جغرافیایی با سفرهای متعدد به شهرهای مختلف کرده‌اند. حتی امام^(ع)، پیش از سفر، کسانی را به مقصد می‌فرستادند تا مردم را آگاه کنند و مقدمات سفر را آماده سازند (حکیم، ۱۳۸۴، ج ۱۰: ۲۲۸). این تدبیر موجب می‌شد که افراد بیشتری از وجود ذی‌جود امام^(ع) بهره‌مند شده و ارتباطات گسترده‌تری شکل بگیرد.

۷. مبارزه با شرک، انحراف و خرافه

آگاهی از شرایط زمانه برای برقراری ارتباط مؤثر ضروری است. دوران ولایتعهدی امام رضا^(ع)، مصادف با هجوم فرهنگ‌های بیگانه به جامعه اسلامی بوده است. در پایان قرن دوم و اوایل قرن سوم ه. از یک‌سو نهضت ترجمه آثار بیگانگان و از سوی دیگر گسترش جریان‌های انحرافی مانند واقفیه، معتزله و مرجئه باعث ناهموار شدن مسیر ارتباطی میان امام^(ع) و مردم شد.

به‌خاطر وجود ملحدان و منحرفان در آن زمان، بحث‌های کلامی بسیار وسیعی درباره

مسائلی چون توحید و امامت، به شدت مطرح شد. در این شرایط، دغدغه اساسی امام^(ع)، توحیدی کردن جامعه زمان خود و برداشتن اختلاف‌های مذهبی بود. امام هشتم^(ع) وحدت کلمه را در بین اقشار مختلف مردم و مذاهب اسلامی به وجود آورده و راه ارتباط مردم را هموار کردند. حدیث سلسله‌الذهب که ناظر به اساسی‌ترین شعار توحیدی مسلمانان (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) است، موید همین معناست. امام رضا^(ع) هنگام ورود به نیشابور در جمع زیادی از مردم، این حدیث قدسی را فرمودند: «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ قَالَهَا دَخَلَ حِصْنِي وَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي: كَلِمَةُ تَوْحِيدِي «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دَرْ وَ حِصَارِ مُحَكَّمٍ مِنْ أَسْت. هَر كَسْ أَنْ رَا بَكُوَيْدٍ، دَاخِلِ حِصَارِ مَنْ شُدِه وَ هَر كَسْ دَاخِلِ قَلْعِه وَ حِصَارِ مَنْ شُوْد، اَز عَذَابِ مَنْ دَر اِمَانِ اسْت» (صدوق، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۳۴).

از آنجا که شهر نیشابور شاهراه ارتباطی ایران و کشورهای شرق آسیا به حساب می‌آمد؛ امام^(ع) با هوشیاری، ارتباط توحیدی دقیق بین مذاهب و مکاتب گوناگون برقرار کردند. از طرفی، هنگامی که کجاوه ایشان به راه افتاد، اشاره کردند که کجاوه را نگه دارند و فرمودند: «بِشَرِطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» (همان، ج ۲: ۱۳۴). حضرت با این فرمایش در جمع مردم نیشابور که اکثراً سنی‌مذهب بودند، با منطقی استوار، بین توحید و ولایت ارتباط برقرار کردند. یکی دیگر از مشکلات جامعه اسلامی در آن زمان، شیوع خرافه و بدعت‌ها بود. برخی، از احساس‌ها و عواطف مردم نسبت به خاندان رسالت و امامت سوءاستفاده کرده و به بهانه‌های مختلف سعی در فریب مردم داشتند. امام^(ع) با علم و آگاهی خود، به محض مشاهده خرافه با آنها مبارزه کردند. در ادامه به دو نمونه از مبارزه ایشان با این دسته از خرافه‌ها اشاره می‌شود:

ابوالفضل بن ابی‌نصرحافظ می‌گوید: در کتاب عیسی بن مریم عمانی خواندم که روزی از روزها امام رضا^(ع) بر مأمون وارد شدند و «زینب کذاب» را در حالی که ادعا می‌کرد دختر علی بن ابیطالب^(ع) بوده و برای بقایش تا روز قیامت دعا کرده، نزد او یافتند. مأمون به امام^(ع) گفت: به خواهرت سلام کن. حضرت فرمودند: به خدا سوگند، او خواهر من نیست

و علی بن ابیطالب^(ع) پدر او نیست. زینب هم گفت: به خدا سوگند، او برادر من نیست و علی بن ابیطالب^(ع) پدر او نیست. مأمون گفت: دلیل این سخن شما چیست؟ حضرت فرمودند: ما اهل بیت گوشتمان بر درندگان حرام است، او را پیش درندگان بینداز، اگر راست بگوید، درندگان از خوردن گوشتش خودداری می‌کنند. زینب گفت: با این شیخ (امام رضا^(ع)) آغاز کن. مأمون گفت: سخن منصفانه‌ای گفتی. حضرت فرمودند: باشد. در این هنگام در جایگاه حیوانات وحشی گشوده شد، سپس امام^(ع) به سوی آنها پایین رفتند. هنگامی که چشم آنان به حضرت افتاد، همه دم تکان دادند و در برابر ایشان سر تعظیم فرود آوردند. حضرت میان آنها دو رکعت نماز خواندند و از آنها خارج شدند. آنگاه مأمون به زینب دستور داد که پایین برود؛ اما امتناع ورزید. از این رو، او را گرفتند و پیش آنها افکندند، درندگان هم او را خوردند. پس از آن مأمون برای این جایگاه حضرت حسادت ورزید. پس از مدتی امام^(ع) بر مأمون وارد شدند، او را اندوهگین یافتند، پس به او فرمودند: تو را غمگین می‌بینم؟ مأمون گفت: آری، صحرائشینی به درب دارالاماره آمده، هفت تار مو به من داده و معتقد است اینها از محاسن رسول خدا^(ص) است و درخواست جایزه کرده است. اگر راست بگوید و من به او جایزه ندهم، شرافت خود را زیر پا گذاشته‌ام؛ اگر هم دروغ بگوید و به او جایزه بدهم، مرا به استهزا گرفته است. نمی‌دانم چه کنم؟ امام^(ع) فرمودند: موها را به من بده. وقتی آنها را دیدند، بوییدند و فرمودند: این چهار تار مو از محاسن رسول خدا^(ص) است، اما بقیه نیست. مأمون گفت: از کجا چنین می‌گویی؟ حضرت فرمودند: آتش بیاورید. موها را در آتش افکندند. آن سه تار موی بدلی سوخت و آن چهار تار موی اصلی سالم ماند و آتش بر آنها تأثیری نداشت. مأمون گفت: آن صحرائشین را بیاورید. وقتی در برابر او ایستاد، دستور داد گردنش را بزنند. صحرائشین گفت: به چه جرمی؟ مأمون گفت: درباره موها راستش را بگو. گفت: چهار تار مو از محاسن رسول خدا^(ص) و سه تار آن از محاسن خودم است (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۲: ۱۲۶).

امام^(ع) در این دو حادثه به مجرد مشاهده بدعت و خرافه، با آن مبارزه کردند، زیرا اگر به موقع جلوی خرافه گرفته نشود، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به اعتقاد مردم وارد می‌شود. امام^(ع) بدین شیوه، راه فریب و سوءاستفاده از مردم را بسته و در مقابل، راه ارتباط مؤثر مردم با خود را هموار نمودند.

۸. مقابله با تفکر ماکیاولیستی

یکی از عواملی که بر رفتار ارتباطی افراد اثر شگرف می‌گذارد، شخصیت ماکیاول‌گونه آنهاست (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۲۴).

نیکلا ماکیاولی^۱ که نظریه‌اش را پیرامون روش و هدف در سیاست قرار داده، در کتاب خود شهریار^۲، هدف عمل سیاسی را دستیابی به قدرت می‌داند. بنابراین، آنرا به هیچ حکم اخلاقی محدود نمی‌کند و در نتیجه به کار بردن هر وسیله‌ای را در سیاست برای پیشبرد اهداف مجاز می‌شمارد و بدین‌گونه سیاست را به کلی از اخلاق جدا می‌داند. به اعتقاد ماکیاولی، زمامدار اگر بخواهد باقی بماند و موفق باشد نباید از شرارت و اعمال خسونت‌آمیز بترسد، زیرا بدون شرارت، حفظ دولت ممکن نیست (۱۳۸۰: ۱۰۵-۱۰۱).

سیره عملی امام رضا^(ع) به‌عنوان شخصیت سیاسی، برخلاف تفکر ماکیاولیستی، براساس موازین اخلاقی است. به‌نظر امام^(ع) شیوه برخورد حاکمان با مردم باید براساس کرامت باشد نه اهانت و هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند. شیوه حکومت مأمون درست برخلاف امام^(ع)، همسو با تفکر ماکیاولی بود. مأمون با زر و زور و تزویر سعی بر حکمرانی بر مردم داشت؛ در حالی که امام^(ع) با نیروی محبت بر قلب‌های مردم، حکومت می‌کردند. از این‌رو مشاهده می‌کنیم که روز به روز فاصله بین مردم و مأمون زیاد می‌شود در حالی که امام^(ع) به‌سبب تواضع و اخلاق حسنه با مردم ارتباطات بسیار خوبی دارند. حُسن‌خلق و مدارا با دیگران، یکی از مهارت‌های برجسته ارتباطی امام^(ع) است. البته این به معنای انفعال و دست برداشتن از مواضع خود نیست؛ بلکه امام^(ع) با رعایت اصل مدارای اجتماعی و تحمل دیگران، مخالفان خود را اقناع کردند. روش امام رضا^(ع) در برخورد با دیگران براساس سیره اجدادشان بود، چنان‌که امام صادق^(ع) در تفاوت حکومت بنی امیه با امامت خویش می‌فرماید: «حکومت بنی‌امیه با شمشیر، بر ظلم و جور بنا نهاده شده، در حالی که امامت

1. Niccolò Machiavelli

2. Il Principe or The Prince

ما بر مبنای مدارا، انس، بردباری، ورع، پرهیزکاری، حُسن معاشرت و کوشش است. پس مردم را بر دیتتان و روشی که بر آن هستید؛ ترغیب کنید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۱۶۵).

۹. اجتناب از تقیّد

یکی از آسیب‌هایی که جامعه اسلامی ممکن است با آن روبرو شود جداسازی خواص از عوام است. مسئولان و امرا باید بدون تکلف با مردم ارتباط داشته باشند و فاصله نگیرند. امام رضا^(ع) با اینکه از منصب و جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بودند و در مرکز قدرت زندگی می‌کردند، محافظ شخصی نداشتند، مردم به راحتی می‌توانستند به خانه ایشان رفت و آمد کنند، در کنارشان بنشینند و هم‌سخن شوند (قائمی، ۱۳۸۵: ۳۹).

امام^(ع) در میهمانی‌ها از صدر مجلس که اشراف نشسته بودند، اجتناب می‌کردند و در بین مردم می‌نشستند (حاکم‌نیشابوری، ۱۳۳۹: ۳۴). ایشان نهایت تواضع را نسبت به مردم داشتند و خود را تافته جدا بافته از دیگران نمی‌دیدند. همین مطلب باعث می‌شد حضرت در عمق قلب مردم جای گرفته و ارتباطشان تسهیل شود.

۱۰. خودگشودگی

خودگشودگی موجب بهتر شدن روابط ما با دیگران می‌شود. در یک فرایند ارتباطی، خودگشودگی موجب بالندگی شخصیتی فرد شده و او را در برابر دیگران از نظر ارتباطی تواناتر از پیش می‌کند (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۴۹).

خوشرویی به‌عنوان عامل موفقیت پیامبر^(ص) در قرآن، در جذب افراد معرفی شده است (آل عمران/۱۵۹).

امام رضا^(ع) فردی خوشرو و خوش‌برخورد بودند، به همین خاطر به سادگی با هر مسلمانی ارتباط برقرار کرده و با آنها انس می‌گرفتند. همچنین آن بزرگوار در ارتباط با

مردم، نگاهی همراه با متانت و مهربانی داشته و با چهره‌ای گشاده با آنان برخورد می‌کردند (قائمی، ۱۳۸۵: ۳۹).

روش‌های ارتباطی امام رضا^(ع)

امام^(ع) از ابتدای حرکت از مدینه به مرو از انواع روش‌های ارتباطی برای هدایت مردم و پیشبرد اهداف والای انسانی استفاده کردند. ایشان علاوه بر خطبه‌های گوناگون، ارتباطات فردی مؤثری داشتند.

در ادامه به بررسی انواع ارتباطات انسانی امام^(ع) در سطوح کلامی و غیر کلامی پرداخته می‌شود:

۱. ارتباط میان فردی^۱

مفهوم ارتباط میان فردی برای نخستین بار در اوایل دهه ۱۹۵۰ م. مطرح شد. ارتباط میان فردی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «ارتباط میان فردی را می‌توان به‌عنوان فرایندی تعاملی که در جریان آن دو نفر پیام‌هایی را ارسال و دریافت می‌کنند، توصیف کرد. بنابراین لازمه این ارتباط، دادن و گرفتن است و همچنین در فرایند ارتباط، عنصر اطلاعات و رابطه همیشه با هم هستند» (برکو و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۵۸).

ائمه معصومین^(ع)، توجه و تأکید فراوانی برای برقراری ارتباط فرد به فرد داشتند. این نوع ارتباط به‌خاطر بازخوردهای مستقیم و تأثیر فراوان در مخاطب از اهمیت بسزایی برخوردار است. امام رضا^(ع) به‌دلیل موقعیت حساسی که در حکومت عباسی داشتند، از این روش مؤثر ارتباطی نهایت بهره را جستند، زیرا تلاش مأمون محدود کردن ارتباط ایشان با شیعیان بود، او برای نیل بدین مقصود، مسیر سفر امام^(ع) را طوری طراحی کرد که با شیعیان ارتباط برقرار نکنند؛ درحالی‌که عملاً چنین نشد و هنگامی که محبت مردم را نسبت به آن بزرگوار دید دستور به حبس ایشان را در سرخس صادر و شایع کرد که امام رضا^(ع) ادعای الوهیت کردند و به همین خاطر ایشان را زندانی کرده است تا شاید از این طریق تماس آن امام

همام^(ع) با مردم را غیرممکن سازد (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۸۳). در این هنگام اگرچه ارتباط جمعی و گروهی امام^(ع) با مردم قطع شد، ولی حضرت، اباضیت هروی را که از اصحاب خاص ایشان بود، از این توطئه آگاه ساختند (همان: ۱۸۴).

این، یک نمونه از ارتباط میان فردی امام^(ع) و جایگزین مناسبی برای دیگر روش‌های ارتباطی است. نمونه‌های فراوانی از این نوع ارتباط در سیره امام رضا^(ع) سراغ داریم. دیدارهای خصوصی با مأمون و عیادت از بیماران، از جمله روابط میان فردی ایشان به حساب می‌آید (همان: ۱۶۷؛ معروف الحسینی، ۱۳۸۲ق، ج ۳: ۴۱۵).

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های ارتباط میان فردی امام^(ع)، سازماندهی شبکه وکالت بود، در شرایطی که امکان ارتباط میان فردی با شیعیان نبود، افرادی همچون عبدالرحمن بن حجاج، پل ارتباطی میان امام^(ع) و شیعیان بودند (جباری، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۴۰).

۲. ارتباط گروهی^۱

وقتی ارتباط افراد با بیش از سه نفر شود، روابط آنها ارتباطات گروهی را تشکیل می‌دهد. همین روابط اگر میان افراد چند فرهنگ رخ دهد، ارتباطات میان فرهنگی خوانده می‌شود (Eadie, 2009: 19).

امام رضا^(ع) با شیوه مناظره، حداکثر استفاده را از این نوع ارتباط نموده و گامی مؤثر برای اثبات حقانیت مکتب اسلام و مذهب تشیع برداشتند. امام^(ع)، نواقص مکاتب و مذاهب انحرافی را تذکر داده و با مبانی فکری خودشان، آنها را قانع ساختند. ایشان به عنوان جانشین پیغمبر^(ص)، از طرفی دارای منطقی روشن و استوارند و از طرفی به حکم خداوند در قرآن: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْشَى؛ اما به نرمی با او سخن بگوئید؛ شاید متذکر شود یا از خدا بترسد» (طه/۴۰)، باید رفتاری مناسب و لحنی خوش و آرام، در ارتباط با دیگران داشته باشند، زیرا از منظر روانی، لحن خوش و آهنگ کلام در روحیه مخاطب، تأثیر بسزایی دارد.

در ارتباط کلامی، اگر کلام با لحن شدید بیان شود، آرامش مخاطب را به هم ریخته و تأثیر منفی بر روحیه شخص می‌گذارد؛ در حالی که کلام نرم و آرام، عصبانیت و غضب را فرو می‌نشاند. خداوند متعال در قرآن، به این نکته در شکل‌گیری ارتباط مؤثر تأکید دارد: «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن» (نحل/ ۱۲۵). امام رضا^(ع) با توجه به این نکات قرآنی، با گفتگوی روشن و به دور از خشونت و تعصب، مخالفان را تحت تأثیر کلام خود قرار دادند. این ویژگی قرآنی، در مناظره امام^(ع) با سلیمان مروزی در مجلس مأمون قابل مشاهده است (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۷۹).

امام^(ع) با توسل به آیات قرآن و به دور از جدل، به مناظره پرداختند تا آنجا که سلیمان را که یگانه متکلم خراسان بوده، اقناع کردند. در این هنگام، مأمون بالحنی کنایه آمیز خطاب به سلیمان گفت: «ای سلیمان، این شخص (امام رضا^(ع)) دانشمندترین بنی‌هاشم است» (همان: ۱۹۱).

۳. ارتباط جمعی^۱

ارتباطات جمعی را می‌توان شکل توسعه‌یافته‌ی ارتباط رو در رو یا مدل خطی ارتباط دانست که در یک طرف فرایند ارتباط، فرستنده پیام و در طرف دیگر، گیرنده وجود دارد. ارتباط جمعی، فرایند است و با اینکه فناوری جدید در شکل رسانه‌های گروهی برای این فرایند ضروری است ولی حضور این امکانات فنی را نباید با خود فرایند ارتباط جمعی اشتباه گرفت (بلیک و اوین، ۱۳۷۸: ۴۹).

در ارتباط جمعی، فرستنده پیام، یک شخص یا یک گروه یا یک سازمان است و دریافت‌کنندگان پیام، بزرگ و ناشناخته و نامتناجس از جهت ادراکی و فرهنگی هستند (Pearce, 2009: 232).

خطبه‌های متعدد امام^(ع) در مسیر سفر به خراسان و سازماندهی شبکه وسیع وکالت در مناطق مختلف ایران از جمله اقدام‌های عملی و تأثیرگذار آن حضرت، برای شکل‌گیری و تداوم ارتباط جمعی با اقشار مختلف مردم بود (جعفریان، ۱۳۸۱: ۴۹۴).

۴. ارتباط شفاهی

ارتباط شفاهی، به دلیل مزایای متعددی که دارد، از اهمیت ویژه‌ای در ارتباطات انسانی برخوردار است. ساده و مستقیم بودن، ارائه بازخورد و صرفه‌جویی در هزینه و وقت، برخی از این مزایا به حساب می‌آیند.

امام رضا^(ع)، در تربیت شاگردان و راویان حدیث و ارسال آنها به اقصی نقاط عالم، از این روش ارتباطی بهره جستند. در ابتدا با آنها ارتباط میان‌فردی برقرار نمودند که تأثیرگذارترین نوع ارتباط است. سپس آنها را برای انجام مأموریت‌های تبلیغی و ارتباط با شیعیان، روانه شهرهای خود کردند. البته ناگفته نماند که امام^(ع) هم مانند تمام ائمه^(ع)، شاگردان و اصحاب خاصی داشتند که با آنان اسرار پنهانی توحید و آفرینش و دیگر علوم را در میان می‌گذاشتند. بهره شاگردان از علوم و معارف امام^(ع) به مقدار ظرفیت روحی آنها بود. از جمله این شاگردان خاص می‌توان به علی بن مهزیار، صفوان بن یحیی، زکریا بن آدم، یونس بن عبدالرحمن، یونس بن یعقوب و فضل بن شاذان اشاره کرد. این همان شجره طیبه‌ای است که خداوند در قرآن از آن یاد کرده است: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ؛ آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت و شاخه آن در آسمان است؟!» (یونس/۲۲). در مرکز و ریشه این شجره طیبه، امام^(ع) قرار داشتند و شاگردان و راویان ایشان، به منزله شاخه‌های این درخت در شهرهای مختلف هستند. امام رضا^(ع) با این روش، شبکه عظیم ارتباطی را با شیعیان خود بنا نهادند.

۵. ارتباط کتبی

ارتباط کتبی نسبت به ارتباط شفاهی، از برخی مزایا برخوردار است. از جمله اینکه امکان تحریف پیام و تفسیر غلط را کاهش می‌دهد و سوابق مدون و مکتوبی برای مراجعه‌های بعدی به وجود می‌آورد. در عصر امام رضا^(ع)، به علت دوری راه‌ها و دسترسی محدود برخی

روایان به ایشان، نامه‌نگاری و پاسخ به مراسلات مردم توسط امام^(ع)، بهترین و مطمئن‌ترین راه ارتباطی بود.

در جوامع روایی موجود، حدود ۱۸۸ مورد مکاتبه آن حضرت یافت شده که گزارش آنها از این قرار است:

مباحث توحیدی هشت مورد، مباحث امامت ۱۳ مورد، معجزه و کرامت ۱۷ مورد، مباحث فقهی ۱۱۱ مورد، پزشکی یک مورد، ادعیه ۱۳ مورد، موعظه ۱۰ مورد، نامه درباره واقفیه ۱۱ مورد، نامه‌های امام^(ع) در کارهای مختلف چهار مورد (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۵: ۳۲۱-۳۰۳). امام رضا^(ع) با تألیف کتاب و رساله‌های مختلف، ارتباط کوتاه‌مدت با معاصران و بلندمدت با آیندگان برقرار کردند. رساله ذهبیه یا طب‌الرضا در پزشکی، فقه‌الرضا در احکام فقهی و مباحث اخلاقی، محض‌الاسلام در اصول دین، صحیفه‌الرضا در احادیث پیامبر^(ص) و ائمه^(ع) از مهم‌ترین آثار و نشانه‌های اهتمام آن امام^(ع)، به این نوع از ارتباط بوده و فرهنگ رضوی، از طریق فرایند ارتباط، به صورت شفاهی و کتبی منتقل شده است.

۶. ارتباط معنوی با مردم

امام رضا^(ع) از کوچک‌ترین فرصتی برای تهجد و عبادت به درگاه احدیت استفاده می‌کردند. زهد و پارسایی امام^(ع) باعث شده بود کسانی که حتی آشنایی چندانی با ایشان نداشتند، تحت تأثیر شخصیت معنوی ایشان قرار بگیرند. این ارتباط معنوی، یک ارتباط غیرکلامی بین امام^(ع) و مسلمانان به وجود می‌آورد. صدوق در عیون‌الخبرالرضا به سند خود از رجاء بن ابوضحاک، که از طرف مأمون، برای انتقال امام رضا^(ع) از مدینه به مرو مأمور شده بود، نقل کرده است: «به خدا سوگند، هیچ‌کس را پرهیزکارتر از او به خداوند ندیده‌ام و کسی را همانند او خداترس ندیدم. او در تمام لحظاتهش به یاد خدا بود و ذکر او را می‌گفت» (۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۸۰).

حتی زندانبان امام^(ع) در سرخس، به تهجد و پارسایی ایشان اعتراف کرده است. در جواب

اباصلت هروی که اجازه ملاقات با امام^(ع) را می‌خواهد، می‌گوید: «راهی برای ملاقات امام^(ع) با تو نیست؛ زیرا او (امام^(ع)) چه بسا در روز و شب هزار رکعت نماز می‌گزارد و ساعتی در ابتدای روز و پیش از اذان ظهر در محراب نماز خود نشسته و با پروردگار خویش مناجات می‌کند» (همان: ۱۸۳).

۷. ارتباط رمزار

هر ارتباطی با رمز و رمزگذاری سروکار دارد. منظور از رمز، هر نوع ترتیب و توالی یکپارچه‌ای است که دربرگیرنده نمادها، کلمه‌ها و حروف است که به‌گونه‌ای اختیاری برای انتقال مفاهیم یا ارتباط به‌کار گرفته می‌شوند. رمزهای کلامی شامل کلمه‌ها و ترتیب دستوری آنها در زمان به‌کارگیری است. رمزهای غیرکلامی، شامل رمزهایی است که ارتباطی با کلام ندارند و به حرکت‌های بدنی، استفاده از زمان و فضا، لباس، آرایش و غیره بستگی دارند (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۶).

امام رضا^(ع) به تناسب موقعیت‌های مختلف از این رموز در ارتباطات کلامی و غیرکلامی خود، استفاده کرده‌اند. اشاره غیرمستقیم امام^(ع) در جمع مردم به عهدشکنی مأمون از جمله این رموز کلامی است (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۴۶).

انتقال مرکزیت تشیع از مدینه به ایران، تبدیل رنگ لباس از مشکی - که نشانه عباسیان بود- به رنگ سبز - که نشانه علویان بوده است- ضرب سکه به نام حضرت، تبسم کنایه‌آمیز به روش بیعت مأمون با مردم (همان) از جمله رموز غیرکلامی امام^(ع) به حساب می‌آیند که با فراست خاصی از سوی ایشان انجام گرفته است.

ارتباط با زبان عمل

محققان بر این باورند که پیام‌های غیرکلامی را در قالب زبان‌های گوناگونی همچون: زبان عمل، زبان علامت و زبان اشیا می‌توان به دیگران انتقال داد (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۶۵).

یکی از مؤثرترین روش‌های ارتباطی، استفاده از زبان عمل است، زیرا زبان واژگان محدود بوده و آن تأثیری که انجام عمل در مخاطب دارد، بسیار بیشتر از گفتار است. گفتارهای شعاری و بی‌اساس ممکن است موجب دلسردی و ناامیدی مردم و قطع ارتباط مسئولان با آنها شود، همان‌گونه که امام صادق^(ع) فرمودند: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۷۸)، شایسته است که مردم را به وسیله پیام‌های غیرکلامی به دین دعوت کرد و در اینجا ارتباط غیرکلامی در اولویت قرار دارد. در سیره ارتباطی امام رضا^(ع) موارد متعددی از عمل‌گرایی مشاهده می‌شود. امام^(ع) به وسیله غذا خوردن با غلامان و خادمان، درس تواضع به دیگران می‌دهند. (امین‌عاملی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۱۴۸).

زهد و پارسایی ایشان سبب شده بود که دشمنانی چون مأمون، تحت تأثیر شخصیت معنوی ایشان قرار بگیرند (مجلسی، ۱۳۸۰: ۱۱۶).

ارتباط با زبان علامت

زبان علامت، نسبت به زبان گفتاری می‌تواند رابطه مکمل^۱ داشته باشد (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۷۳). در بسیاری از موارد، امام^(ع) از حرکت دست برای تأکید یا تأثیر بیشتر مطلبی استفاده کرده‌اند. شیخ مفید در کتاب *ارشاد* با استناد به روایتی، اتفاق‌های پس از قتل فضل بن سهل را از زبان یاسر، خادم حضرت این‌گونه شرح می‌دهد:

پس از واقعه قتل فضل، سربازان، سرلشکران و کارکنان وی، در خانه مأمون هجوم آورده و می‌گفتند، مأمون با حيله فضل را از پای درآورده و در حالی که به مأمون ناسزا می‌گفتند، از وی خونخواهی کرده و آتش آورده بودند تا خانه او را بسوزانند. مأمون به امام رضا^(ع) عرضه داشت: ای آقای من آیا ممکن است تشریف ببرید و با ملائمت، آشوبگران را از کنار خانه من دور فرمائید؟ امام^(ع) فرمودند: آری، آنگاه حضرت بر مرکب سوار شده و به من فرمودند: ای یاسر، بر مرکب سوار شو. هنگامی که از در خانه خارج شدیم حضرت نگاهی به تجمع مردم انداخته و سپس با اشاره دست به آنها فرمودند: متفرق شوید. یاسر

می‌گوید به خدا سوگند از این اشاره امام^(ع) چنان مردم سر به عقب نهادند که بر روی یکدیگر می‌افتادند تا زمانی که حضرت مراجعت فرمودند (۴۱۳ق، ج: ۲، ۲۶۷).

امام^(ع) به وسیله دست و با نفوذی که در مردم داشتند، به راحتی اجتماع مردم را پراکنده ساختند. در این حادثه تاریخی، امام^(ع) از حرکت دست، به عنوان موکدی برای کلام خود استفاده کردند.

ارتباط با زبان تمثیل

امام^(ع) در مناظره با عمران صابی برای اثبات وحدانیت خداوند مثال‌های متعددی همچون چراغ، آتش و آینه برای تفهیم راحت‌تر به کار بردند. در نهایت فرمودند: «برای این موضوع مثال‌های بی‌شمار دیگری هم هست که نادان را به آنها راهی نیست» «وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى؛ و برای خدا، صفات عالی است» (نحل/۶۰؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج: ۱، ۱۷۲-۱۷۱).

امام^(ع) به وسیله این تمثیل‌ها معنای مورد نظرشان را به فهم مخاطبانی که در مجلس مأمون حضور داشتند، نزدیک‌تر و به این شکل، ارتباط مؤثر میان فردی و گروهی را برقرار کردند.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه بیان شد، به خوبی مشخص می‌شود امام رضا^(ع) با بهره‌گیری از انواع روش‌های ارتباطی، با مردم فرهنگ‌های گوناگون ارتباط داشته‌اند. ارتباط کتبی، شفاهی، علمی و عملی از جمله روش‌های ارتباطی ایشان در سطوح کلامی و غیرکلامی بود که به اختصار در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت. نکته حائز اهمیت در سیره ارتباطی امام^(ع) این است که ارتباطات ایشان برخلاف برخی نظریه‌های غربی پیرامون ارتباطات انسانی به‌خاطر نیازهای درونی و اجتماعی نبود؛ بلکه هدف امام^(ع)، استفاده مؤثر از این ارتباطات برای هدایت مردم بود. با توجه به تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت، سیره عملی و مردم‌داری امام رضا^(ع) می‌تواند الگوی مناسبی برای مسئولان و مدیران اجرایی برای ارتباط مؤثر با مردم باشد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم. (۱۳۷۳). مترجم ناصر مکارم شیرازی. چاپ دوم، قم: دارالقرآن الکریم.
- آشوری، داریوش، (۱۳۸۹). *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*. چاپ چهارم، تهران: آگه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳). *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*. چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی بن ابونصر، (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابيطالب (ع)*. چاپ اول، قم: علامه.
- احمدی میانجی، علی، (۱۴۲۶ ق). *مکاتیب الأئمة (ع)*. محقق / مصحح مجتبی فرجی، چاپ اول، قم: دار الحديث.
- اربلی، علی بن عیسی، (۱۴۲۱ ق). *کشف الغمة فی معرفة الائمة*. چاپ اول، قم: رضی.
- امین عاملی، سید محسن، (۱۳۷۶). *سیره معصومان*. چاپ دوم، تهران: سروش.
- بحرانی، عبدالله بن نورالله، (۱۴۱۳ق). *عولم العلوم والمعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال*. مصحح محمدباقر موحد ابطحي اصفهانی، چاپ اول، قم: الإمام المهدي (ع).
- برکو، ری ام، ولوین آندرو دی و ولوین دارلین آر، (۱۳۸۶). *مدیریت ارتباطات*. مترجم سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بلیک، رید و هارولدسن اوین، (۱۳۷۸). *طبقه‌بندی مفاهیم در ارتباطات*. مترجم مسعود اوحدی، تهران: سروش.
- جباری، محمدرضا، (۱۳۸۲). *سازمان وکالت*. چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- جزائری، سید نعمت‌الله، (۱۴۲۷ ق). *ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار*. چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۸). *فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو*. چاپ اول، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۱). *حیات فکری و سیاسی ائمه (ع)*. چاپ ششم، قم: انصاریان.
- حاکم نیشابوری، محمدبن عبدالله، (۱۳۳۹). *تاریخ نیشابور*. مترجم محمد خلیفه نیشابوری، تهران: ابن سینا.
- حرعاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. چاپ اول، قم: آل‌البيت (ع).
- حرعاملی، محمدبن الحسن، (۱۴۲۵). *اثبات الهداة فی النصوص والمعجزات*. چاپ اول، بیروت: اعلمی.
- حکیم، سیدمنذر، (۱۳۸۴). *پیشوایان هدایت*. مترجم حسین اسلامی اردکانی، چاپ اول، تهران: مجمع جهانی اهل بیت (ع).

- راوندي، قطب الدين سعيدبن عبدالله، (۱۴۰۹ق). *الخرائج والمجرائح*. چاپ اول، قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف.
- صدوق، محمدبن علی، (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا*. چاپ اول، تهران: جهان.
- صفر، محمدبن حسن، (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)*. چاپ دوم، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
- طبرسي، فضل بن حسن، (۱۳۹۰ق). *إعلام الوري بأعلام المهدي*. چاپ سوم، تهران: اسلاميه.
- طوسي، ابن حمزه، (۱۴۱۹ق). *الثاقب فی المناقب*. چاپ سوم، قم: انصاریان.
- عرفان منش، جلیل، (۱۳۷۶). *جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا (ع)*. چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- عطاردی، عزیزالله، (۱۴۰۶ق). *مسند الإمام الرضا (ع)*. چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
- فرهنگی، علی اکبر، (۱۳۷۳). *مبانی ارتباطات انسانی*. چاپ اول، تهران: تهران تایمز.
- قائمی، علی، (۱۳۸۵). *در مکتب عالم آل محمد (ص) امام علی بن موسی الرضا (ع)*. قم: پیام مقدس.
- قمی، شیخ عباس، (۱۳۷۹). *منتهی الآمال*. چاپ اول، قم: دلیل ما.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ق). *اصول کافی*. مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ: چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- گیل، دیوید و بریجیت ادمز، (۱۳۸۴). *القبای ارتباطات*. مترجم رامین کریمیان و دیگران، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- لوبون، گوستاو، (۱۳۵۸). *تمدن اسلام و عرب*. مترجم سید هاشم حسینی، چاپ سوم، تهران: کتاب فروشی اسلامیه.
- ماکیاوی، نیکولو، (۱۳۸۰). *شهریار*. مترجم محمود محمود. چاپ سوم، تهران: عطار.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۳). *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار*. چاپ دوم، تهران: اسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۰). *زندگانی حضرت امام رضا (ع)*. مترجم موسی خسروی، چاپ اول، تهران: اسلامیه.
- محسنیان راد، مهدی، (۱۳۸۲). *ارتباط شناسی*. چاپ پنجم، تهران: سروش.
- مرعشی تستری، القاضی نورالله، (۱۴۰۹ق). *احقاق الحق*. چاپ اول، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*. چاپ هفتم، تهران: صدرا.
- معروف الحسینی، هاشم، (۱۳۸۲ق). *سیره الأئمة الاثنی عشر (ع)*. چاپ اول، نجف: المكتبة الحیدریة.
- مفید، محمدبن محمد، (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.

Craig, Rabert T (1999). *Communication Theory as a Field*. Communication theory, nine: two: 119-161.

Eadie, William F (2009). “**Communication as A Field and as A Discipline**”. in *21st Century Communication A Refrence Handbook*, William F. Eadie (Ed), San Diego State University.

Pearce, Kevin J (2009), “**Media and Mass Communication Theories**”. *Encyclopedia of Communication Theory*, SAGE Publications. 10Apr.2010. http://www.sageereference.com/communicationtheory/Article_n231.htm.

